



۲۰۱۷/۰۳/۲۲

انجنیر عبدالصبور صافی

ضعف شخصیتی و صلاحیتی

مشکل اساسی در حکومت وحدت ملی

قسمت اول

مشخصه های معین چون تفکر، هیجان، روش و رفتار که سبک شخصی فرد را در تعاملات با محیط اجتماعی و مادی آن رقم می زند شامل فاکتورهای معین ثبات، پایداری، زود رنجی، اضطراب، پرحرفی، درونگرایی، بیرونگرایی و غیره می شود که در تعیین شخصیت انسانها رول اساسی دارد به این اساس می توان شخصیت را چنین تعریف کرد، مجموعه ای از رفتار و شیوه های تفکر شخص در زندگی روزمره که بطور خاص با بی همتا بودن، ثبات و پایداری و قابلیت پیش بینی مشخص می شود شخصیت گفته می شود.

انسان ها زاده محیط اند که با خصوصیت های ژنتیکی خاصی به دنیا می آیند، بعداً سر و کار آنها با محیط اطراف شان است. محیط نقش مهمی در شکل دهی شخصیت افراد دارد آنچه در دنیای امروز بروی آن تأکید بیشتر می شود، این است که تأثیر پذیری انسان ها از محیط بسیار قوی تر از تأثیر ژنتیکی است، پس باید توجه بیشتر به محیط داشت به وجود آوردن یک محیط سالم مستلزم روش های خاص انسانی در چوکات قانون است که ارج گذاشتن به انسان و انسانیت و قانون از همان آغاز طفلیت از کودکستان شروع تا پایان عمر قابل عمل، آموزش و اجراء است.

«گوردن آلپورت» روانشناس مشهور امریکایی بهترین تعریف در مورد شخصیت ارائه داده است. وی اشاره می کند شخصیت، سازمان بندی پویایی در درون فرد است و شامل آن دسته از نظام های روانی - فیزیکی که رفتار و تفکر انسان را تعیین می کند، از این تعاریف چندین نکته قابل استنباط است.

- بی همتایی و تفاوت: شخصیت یک فرد بی همتاست باوجود بعضی مشابهت ها هیچ دو شخصیت یکسان و همسان وجود ندارد.
- ثبات و پایداری داشتن: اگر چه افراد در شرایط و محیط های گوناگون در ظاهر رفتار متضاد و مختلفی دارند، ولی در طول زمان حتی چندین دهه رفتار، عکس العمل و همچنین شیوه تفکر آنها دارای یک ثبات نسبی دائمی می باشد.

● قابلیت پیش بینی: با توجه و مطالعه رفتار و نوع تفکر اشخاص می توان سبک رفتاری و تفکری افراد را با احتمال زیاد پیش بینی کرد، قابلیت پیش بینی رفتار، با ثبات در رفتار رابطه متقابل دارد، شخصیت مجموعه ای از عناصر است که به عنوان یک نظام با یکدیگر در رابطه می باشند.

شخصیت می تواند سازگار و یا ناسازگار باشد ولی ناسازگاری زمانی مطرح می گردد که فرد یا افراد قادر نباشند تفکر و رفتار خود را با محیط و تغییرات آن انطباق دهند و قدرت انعطاف پذیری از خود نظر به شرایط، اوضاع و احوال نشان دهند، انعطاف پذیری همیشه به مفهوم گذشت از خواست ها نیست بلکه انعطاف به سمت صراط المستقیم هم شامل آن می شود و انسان از گذشت های زیاد ممکن است به طرف برپادی برود وقتی شخص متوجه این خلا می گردد باید خود به سمت دیگر که بتواند این خلا را پر کند معطوف شود در غیر این صورت انعطاف زیاد می تواند باعث شکستن، از هم پاشیدن، انارشی و بی ثباتی در نظام خانواده، اجتماع حتی زندگی شخصی فرد و یا ملت گردد. صلاحیت کاری:

صلاحیت در لغت به معنی شایستگی، لیاقت، و اهلیت معنی می شود، اختیاری که قانون برای شخص می دهد و به موجب آن به مسأله ای و یا دعوی رسیدگی می گردد و یا به عبارت دیگر شایستگی قانونی یک شخص و یا ارگان دولتی برای رسیدگی به قضایای خاص در اصطلاح حقوقی صلاحیت نامیده می شود، که شامل صلاحیت سائر حرفه ها هم می شود، یعنی مجموعه ای از شایستگی ها شامل فهم و دانش، شخصیت و کرکتر، مهارت حرفوی و طرز دید که به تناسب هر شغل یا حرفه تعیین و توسط فرد در پروسه های مختلف وظیفوی به کار گرفته می شود؛ صلاحیت کاری است، مجموعه این صلاحیت ها، نظام صلاحیت حرفوی گفته می شود، عناصر و پروسه های لازم در این نظام برای تحقق سیاست ها، خط مشی ها به منظور کسب اعتبار دهی صلاحیت حرفوی نیرو ها به کار گرفته می شود که شامل روش ها و معیار های احراز سطوح صلاحیت حرفوی نیروی انسانی در بخش های مختلف صنعت، اقتصاد، تجارت خدمات زراعتی، فرهنگ، هنر، امور امنیتی و نظامی می گردد.

قانون مداری و داشتن یک مشاور ورزیده حقوقی که تمام فیصله های یک سیاست مدار را مشوره دهد و آن را به شکل پایدار در پرتو قانون و لوایح سیاسی شکل داده به پارلمان ارائه کند امر لازمی است، به قول آقای «ملک ستیز» محقق امور سیاسی و بین المللی، ((صدر اعظم آلمان که از کمترین و مستعد ترین مشاوران در سطح رهبران بزرگ جهان برخوردار است یکی از با صلاحیت ترین صدراعظمان در جهان امروز به حساب می آید، محکم ترین پشتوانه صلاحیت صدراعظم آلمان، خانم «انگیلا مرکل»، قانون مداری وی است صدراعظم هیچگاه فیصله هایی را که در قانون تفسیر نشده و یا لوایح سیاسی که بر بنیاد قوانین شکل گرفته باشند، مشروعیت نداشته باشد اتخاذ نمی کند با صلاحیت بودن صدراعظم آلمان به معنای قدرت شخصی وی نیست، بلکه اقتدار شخصیتی وی است که در قوانین این کشور تعریف شده است. صلاحیت به معنی تحمیل قدرت نیست، صلاحیت به معنی تحمیل اقتدار قانونی در ساختارهای نظام است)).

با تأسف در افغانستان با وجودی که قوانین وجود دارد، ولی نقض قوانین در قدم نخست از رده های بالا شخص داکتر اشرف غنی و داکتر عبدالله عبدالله صورت می گیرد، نقض قانون و نبود شایستگی و لیاقت در مقامات دولتی، باعث بحران های سیاسی عمیق و بزرگ در کشور ما شده است، کشمکش ها میان جنرال دوستم و رئیس جمهور، نارضایتی احمد ضیا مسعود، شکوه داکتر عبدالله از نقض توافق نامه سیاسی و سلب صلاحیت از مقام های شان،

کشمکش سیاسی بین عطاء محمد نور و رئیس اجرائیہ داکتر عبداللہ را می توان ضعف شایستگی نام داد، مسأله در آن نیست که این نارضایتی ها چرا شکل گرفته مسأله اینست که کم بها دادن قانون عدول از چوکات صلاحیت ها، خواست های بی مورد و جاه طلبی ها بحران را به وجود آورده است اینکه آیا رئیس جمهور با وجود موجب شدن این نارضایتی ها باوجود داشتن صلاحیت، نتوانسته است اهداف معقول و قانونمند را که از تطبیق قانون یک گام معقول به سمت بهبود وضعیت سیاسی و اداری کشور که به نفع ملت باشد دستاورد ارزنده ای داشته باشد!

آیا داکتر عبداللہ و افعاً بی صلاحیت است؟

در این جای شک نیست که داکتر عبداللہ فاقده صلاحیت کاری و اجرائیوی است باید گفت که این عدم صلاحیت به معنی آن نیست که گویا داکتر اشرف غنی صلاحیت های داکتر عبداللہ را صلب کرده بلکه این ناشی از عدم داشتن یک انسیاتیف، خلاقیت و ابتکار ارزنده عمل در طرز و شیوه فهم مسلکی و مدیریتی داکتر عبداللہ است که نتوانسته با صلاحیت عمل کند، اگر به کارکرد داکتر عبداللہ در این دو نیم سال حکومت وحدت ملی نگاه کنیم می یابیم که وی جز دعوی کرسی و ۵۰٪ توافق نامہ «جان کری» هیچ گونه ابتکار و پیشنهاد کاری که جهت بهبود در وضعیت امنیتی و اقتصادی کشور که یک تغییر را در زندگی مردم رونما کند نداشته است، زمانیکه داکتر عبداللہ وزیر خارجه حکومت کرسی بود آن زمان از صلاحیت کامل هم برخوردار بود، با تأسف که آن وقت هم هیچ دستاورد کاری نداشت، شاید بگویند که آنوقت هم صلاحیت نداشته ولی واقعیت را نمی توان دگرگون و یا کتمان کرد.

آقای «حبیب» مشاور داکتر عبداللہ حین صحبت در میز گرد با تلویزیون آریانا شب ۱۳ مارچ سال جاری گفت که داکتر عبداللہ در امور داخلی بخصوص در ساحه ای نظامی و امنیتی اصلاً به صورت قطع صلاحیت ندارد و همه صلاحیت ها بدست سر قوماندان اعلائی کشور داکتر اشرف غنی است، همچنان داکتر عبداللہ شخصاً هم از بی صلاحیت بودن خود در یک صحبت تلویزیونی کاملاً آشکارا شکایت کرده بود حتی داکتر اشرف غنی را در آن صحبت شخص بی حوصله خطاب کرد، بسیاری از رسانه هم به طور یک جانبه بدون در نظر داشت منافع ملی کشور داکتر عبداللہ را در بحران فعلی سیاسی و امنیتی کشور بی قصور و فاقده صلاحیت می دانند در حالیکه این یک بازی سیاسی است که از تعصب قومی و زبانی منشاء می گیرد و این تلاش ها فقد به خاطر پنهان کردن رد پای داکتر عبداللہ و طرفدارانش در اوضاع آشفته و رو به خرابی کشور است، تا در انتخابات آینده دست بالا داشته باشند و ناکامی های وی در حکومت وحدت ملی بالای انتخابات آینده تأثیر نگذارد، در این جا توجه همه خواننده ها و رسانه ها را به فاکت های ذیل جلب می کنم که از با صلاحیت بودن داکتر عبداللہ حکایت دارد لطفاً توجه کنید:

- ۱- زمانیکه داکتر اشرف غنی جنرال محمد افضل لودین را منحیث وزیر دفاع کاندید کردند این داکتر عبداللہ عبدالله بود که با وی مخالفت کرد و جنرال لودین مجبوراً پا پس کشید.
- ۲- در تعیین شکرپه بارکزی منحیث رئیس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی آیا داکتر عبداللہ نبود که آشکارا مخالفتش را اعلان کرد و شکرپه بارکزی مجبور به کناره گیری از آن مقام شد!!
- ۳- این داکتر عبداللہ عبدالله بود که جنرال عبدالحق علومی وزیر داخله را وادار به استعفی ساخت و در عوض شخص بی کفایت، بی سواد، فاقده تحصیلات نظامی به نام تاج محمد جاهد را پیشنهاد و بالای داکتر اشرف غنی هم قبولانده و جانشین جنرال علومی ساخت.

● ۴- فرمان ریاست جمهوری مبنی بر تعیین نادر نادری به عنوان رئیس کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی از سوی داکتر عبدالله شش ماه معلق ماند بالاخره داکتر اشرف غنی مجبور شد معینیت نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ را در بدل انتصاب آقای نادری به تیم داکتر عبدالله عبدالله بدهد.

● ۵- عبدالباری جهانی وزیر اطلاعات و فرهنگ چرا استعفی داد؟ چون کارکردن برای او بدون حمایت ریاست جمهوری کار دشوار بود و داکتر اشرف غنی صلاحیت دفاع از وی را در برابر اعتراضات طرفداران عبدالله عبدالله نداشت.

این چند فاکت بسیار ساده که طور مختصر از آن یاد کردم نشان دهنده صلاحیت کامل و بلامنازع داکتر عبدالله عبدالله را تصدیق می کند، در هر صورت داکتر عبدالله عبدالله ۵۰٪ خود را گرفته و می گیرد و بالای تعیینات داکتر اشرف غنی هم اثرگذاری خود را دارد باوجود اینکه وزارت دفاع به داکتر اشرف غنی رسیده است ولی غنی نتوانست جنرال لودین و یا یک جنرال دیگر دلخواه خود را وزیر دفاع تعیین کند زیرا نظر عبدالله شرط اساسی است، در حالیکه داکتر اشرف غنی ۲۰٪ سهم دارد چون در ۵۰٪ داکتر اشرف غنی، جنرال رشید دوستم، دانش، و ضیاء مسعود نیز شامل اند، در واقعیت امر داکتر عبدالله ۶۰٪ در دولت سهم دارد چون ضیاء مسعود به جمعیت تعلق دارد و جمعیت اسلامی از داکتر عبدالله حمایت می کند پس ۱۰٪ سهم ضیاء مسعود نیز به شکلی از اشکال به عبدالله عبدالله تعلق می گیرد، پس بی صلاحیت جلوه دادن داکتر عبدالله عبدالله یعنی چه؟؟؟

یعنی شانه خالی کردن از پذیرفتن مسؤلیت خرابی اوضاع و مسؤلیت های امنیتی کشور، صرف تلاشی است برای از دست ندادن محبوبیت در انتخابات آینده و انداختن همه بار ملامت بدوش داکتر اشرف غنی جهت شکست وی در انتخابات آینده و اجرای امور جاری، در حالیکه داکتر اشرف غنی از این بازی ماهرانه یا بی خبر است و یا در مقابله با آن ناتوان، با وجود اینکه وزارت اطلاعات و فرهنگ مربوط داکتر اشرف غنی است ولی این وزارت عملاً فلج بوده و مسؤولین آن صرف کرسی خود را نگاه می دارند چون که داکتر اشرف غنی توان حمایت از اتهام هایی را ندارد که طرفداران داکتر عبدالله عبدالله و جامه ای به نام مدنی بالای آن وارد می کند، از ترس غوغا و تهمت های تیم داکتر عبدالله که مدافعین ترویج فرهنگ ایرانی اند و همچنان جامعه مدنی و ژورنالیستان که خود را مثل ملانک پاک می دانند اصلاً هیچ کمبود را در کار خود نمی پذیرند و نمی گذارند مگس روی بینی شان پر بزند، در حالیکه یک فاکتور عمده در خرابی اوضاع کشور نشرات و تبلیغات تخریبکارانه و مغرضانه به نفع گروه های خاص دامن زدن به تعصبات قومی، مذهبی و لسانی یکعده همین ژورنالیستان و رسانه ها استند.

پایان قسمت اول

ادامه دارد

عنوان: